

بسم الله الرحمن الرحيم

درسنامه سطح 3

موضوع: مهدویت؛ جلسه دوم

ما و امام زمان (علیه السلام)

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

شروع جلسه

آیا می دانید که امام زمان علیه السلام از ما چه انتظارات و توقعاتی دارند؟
 آیا می دانیم که ما با چه کارهایی می توانیم خود را به امام زمان علیه السلام نزدیک کرده و از لطف و محبت ایشان بهره مند شویم؟
 در این جلسه می خواهیم با استفاده از فرمایشات خود امام زمان علیه السلام با وظایف خودمان آشنا شده، نیز الطاف و مهربانی های امام زمان علیه السلام را نسبت به خودمان مرور کنیم.

وظایف ما

برخی از انتظاراتی که امام زمان علیه السلام در زمان غیبت خویش از شیعیان و پیروان خویش دارد، عبارت اند از:

1. مدیریت نفس

از مهم ترین انتظارات آن حضرت از شیعیان و پیروان خویش، خودکنترلی یا همان رعایت تقوا و دوری از گناه و نافرمانی از دستورات الهی است. مدیریت نفس یعنی اینکه ما ارزش خود را بشناسیم و با دوراندیشی و تنظیم برنامه های الهی در زندگی، فریب اتفاقات و حوادث را نخورده و خود را ارزان نفروشیم.
 مدیریت نفس یعنی اینکه با هر بادی به هر سویی نرویم و به هر دعوتی پاسخ مثبت ندهیم.
 خود کنترلی یعنی مراقبت از گوش و چشم و قلب و تمامی اعضای بدن.
 خود کنترلی یعنی اینکه خلوت و جلوت و ظاهر و باطن ما یکی باشد.
 یعنی اگر با دوربین مخفی از ما تصویر برداری کنند، از دیدن تصاویر رفتار و کردار خود، دچار ترس و واهمه یا شرمندگی و خجالت نشویم.
 مدیریت نفس یعنی

به راستی ما چگونه می توانیم مدعی پیروی و دوستی با امام زمان و اهل بیت علیهم السلام باشیم، ولی هیچ گونه کنترلی بر رفتار و گفتار و رفت و آمدها و ... ما وجود نداشته باشد؟
 در حالی که می دانیم خود آن بزرگوار از هر گونه خطا و اشتباهی دوری می کند و هیچگاه مرتکب خطا و گناه نمی شود.
 پس می توانیم به یقین ادعا کنیم که اولین انتظار امام زمان علیه السلام از ما این است که بر خودمان، افکارمان، رفتارمان و در تمامی جهات، کنترل و تسلط داشته باشیم و در همه حال خدا را مدنظر داشته باشیم.

2. ترک گناهان

وقتی ما کسی را دوست باشیم سعی می کنیم در گفتار و رفتار و عملکردمان به او نشان دهیم که او را دوست داریم و حاضریم از خیلی چیزها بگذریم تا دوستی و محبت او را از دست ندهیم.

حال ما که ادهای دوست داشتن امام زمان را داریم، تاکنون این دوست داشتن حضرت را در مقابل چه چیزهایی معاوضه کرده ایم؟

لبخند یک جنس مخالف، مهمانی ها و عروسی های آن چنانی، دروغ و تقلب و ...
ما می دانیم که خداوند و به تبع آن امام زمان علیه السلام از گناه ما ناراحت می شوند و این ناراحتی یعنی دور شدن ما از امام مهربانمان.

اگر ما به واقع امام خود را دوست داشته باشیم از گناه دوری می کنیم.

امام زمان علیه السلام نیز، یکی از انتظاراتی که از شیعیان خویش دارد، این است که می فرماید: اگر در پی جلب و کسب محبت ما هستید، باید از انجام گناه و اموری که باعث ناراحتی و رنجش ما می شود، به شدت پرهیز نمایید.

آن حضرت در سخن خیرخواهانه خود چنین می فرماید: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مُحَبَّتِنَا وَلْيَتَجَنَّبْ مِنْ كَرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ امْرَأًا يَبْغَتْهُ فَجَاءَهُ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَتُهُ وَلَا يُجْبِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ؛ پس باید هر یک از شما [شیعیان] کارهایی را که موجب جلب محبت ما می گردد، انجام دهد و باید از کارهای [ناپسندی] که خشم و غضب ما را در پی دارد، اجتناب کند. پس [آگاه باشید که] مرگ آدمی ناگهان می رسد که [در آن وقت دیگر] توبه سودی نمی رساند و ندامت و پشیمانی [نیز] نمی تواند او را از عذاب ما برهاند.»¹

اگر قدر تو را دانسته بودیم	اگر عهد و وفا نشکسته بودیم
دل ما خانه غمها نمی شد	غم هجران نصیب ما نمی شد
اگر شرط تولا کرده بودیم	هر آنچه گفته مولا کرده بودیم
نمی شد روز ما شام سیاهی	نمی شد قسمت ما این جدایی

در جای دیگر، حرکت در مسیر محبت اهل بیت علیهم السلام را این گونه از شیعیان خواسته است: «وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَ تَعْدُوا إِلَى الْيَسَارِ وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛ از راست به چپ منحرف نشوید و مقصد خود را با دوستی ما طبق سنت [الهی و نبوی] روشن به سوی ما قرار دهید.»²

و قطعاً کوچک ترین انحرافی که در بین شیعه ایجاد شود قلب امام زمان علیه السلام را سخت ناراحت و رنجور خواهد کرد. به همین جهت، آن یار پرده نشین با قلب آکنده از رنجش و غصه، شکوه خویش را از دست شیعیان جاهل و منحرف به این صورت اظهار می دارد:

«قَدْ أَدَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حَمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينَهُ جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ؛ نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه بر دین آنها برتری دارد، ما را آزار می دهند.»³ یعنی کسانی هستند که اسم شیعه و دوستدار اهل بیت و امام زمان علیه السلام را با خود یدک می کشند؛ ولی برخی از همین افراد اسمی، وقتی پای گناه و لذت پیش می آید، همه چیز را فراموش می کنند و انگار نه انگار که امام زمانی هم وجود دارد که رفتار و کردار او را می بیند و گناه کردن او باعث دل شکستگی امامش می شود. آری چنین کسانی در واقع که دین و ایمانشان از بال های پشه هم سبک تر و بی ارزش تر است و به راحتی از بین می رود.

3. عبادت و بندگی

¹. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج 53، ص 174.

². بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج 53، ص 179.

³. الاحتجاج، مرحوم طبرسی، ج 2، ص 474.

یکی از انتظارات امام عصر از شیعیان و منتظران این است که رابطه محکم و استواری با خداوند ایجاد کرده و عبادات و واجبات خود را انجام دهند.

توصیه به نماز، سجده شکر، نمازهای مستحبی،^۴ و ... از سفارشات مهم حضرت برای استحکام رابطه با خداوند است. ایشان فرمودند: فما ارغم أنفَ الشیطان بشئ مثل الصلاة، فصلِّها و أرغم أنفَ الشیطان؛ هیچ چیزی مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛ پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بسای. ۵

4. دعا برای فرج

شیعه در فراق امام و مولای خویش نمی‌تواند آرام گیرد و شب و روز نسوزد و لحظه به لحظه چشم به انتظار ظهور مولا و امام خویش نباشد. نشانه انتظار سازنده و کارساز، آن است که تلاش کند تا زمینه ظهور را در جامعه بیشتر آماده نماید. یکی از راههای زمینه سازی برای ظهور، دعاها و دلسوزانه و مشتاقانه است؛ آن هم دعا برای فرج و ظهور مهدی علیه السلام که هم باعث تلقین و تقویت روح انتظار می‌شود و هم آمادگی انسان را بیشتر می‌سازد و از طرف دیگر، خود عامل مستقلاً است برای نزدیکی فرج؛ چرا که تقدیرات را نیز (با اذن الهی) تغییر می‌دهد.

به همین جهت است که مهدی منتظر علیه السلام از شیعیانش انتظار دارد و مجدانه می‌خواهد که برای فرج دعا کنند؛ آنجا که فرمود: «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجٌكُمْ؛ برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا همین موجب فرج و گشایش شماست.»^۶

در کنار دستور دعا برای فرج، بر این نکته نیز پای فشرده است که هرگز کسی حق ندارد، زمان دقیقی برای فرج تعیین نماید؛ چرا که وقت مشخص آن را جز ذات پاک لایزالی کسی دیگر نمی‌داند.

در این زمینه، موعود جهانی فرمود: «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛ اما ظهور فرج به اراده خدای که یادش بلند مرتبه است، بر می‌گردد و کسی که [برای آن] وقت تعیین کند، دروغ گفته است.»^۷

یکی از استغاثه‌های به امام زمان علیه السلام، دعایی است که خود حضرت به ابوالحسن محمد بن احمد بن ابی‌اللیث در خواب تعلیم نموده است. ابوالحسن (مذکور) از ترس کشته شدن به قبرستان قریش گریخته بود که آن حضرت این دعا را به ایشان تعلیم نمودند و به برکت این دعا از کشته شدن نجات یافت. متن دعا به شرح زیر است:

دعای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلِمَاحَ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَأَنْكَمَا كَافِيَانِ وَ انْصُرَانِي فَأَنْكَمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

4. بحار، ج 53، ص 161.

5. بحار، ج 53، ص 182.

6. کمال الدین، شیخ صدوق، ج 2، ص 485.

7. کمال الدین، شیخ صدوق، ج 2، ص 485.

ترجمه ی دعای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

خدایا بلایا و مصایب ما بزرگ شده و بیچارگی ما بسی روشن و پرده از روی کار ما برداشته شد و امیدم نا امید شد و زمین بر ما تنگ آمد و آسمان رحمتش از ما منع گردید و تنها تویی یاور و معین ما، و مرجع شکایت ما و یگانه اعتماد ما در هر سختی و آسانی بر لطف توست، خدایا درود فرست بر محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد که صاحب امر الهی هستند و بر ما اطاعتشان را واجب کردی و بواسطه ی این مطاع بودن مقامشان را به ما شناساندی، پس به حق منزلت و قدر آنها به ما فرج و گشایش زود و نزدیک چون چشم به هم زدن یا زودتر عطا فرما، ای محمد و ای علی ای علی و ای محمد شما مرا کفایت کنید که شما کافی هستید و مرا یاری کنید که شما یاران منید، ای مولای ما ای صاحب الزمان، فریاد رس فریاد رس، مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب، همین ساعت همین ساعت زود زود زود، ای مهربان ترین مهربانان به حق محمد و آل اطهارش.

همچنین دعای آل یاسین، ذکر وعجل فرجهم و دعای مشهور اللهم کن لولیک هم سفارش شده است.

دل تشنه ی حرفهای دریایی توست محتاج تو و دعای دریایی توست
ای رود زلال مهربانی، دیربست دل منتظر صدای دریایی توست

5. تجدید عهد

شیعه باید هر روز صبح با امام زمان(عج) خود تجدید عهد و پیمان کند.

تجدید عهد، یعنی انسان در قلب و زبان خود، ولایت حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را اقرار کند و آمادگی خود را جهت یاری رساندن به او اعلام نماید و با این عمل محبت و پیوند قلبی خود را با امام زمان(عج) تازه کند.

تجدید عهد روزانه با امام زمان (ع) موجب ثبات ایمان و اخلاص در قلب ها وی گردد و اجر و ثواب کسی برای انسان رقم می خورد که در حضور آن حضرت حاضر بوده و او را یاری رسانده است. تازه کردن عهد و پیمان موجب میشود انسان همواره مورد توجه و الطاف آن حضرت قرار گیرد. به شرط اینکه به عهد و پیمان خود وفا کند.

خود حضرت می فرماید: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا؛ اگر شیعیان ما - که خدای آنان را بر انجام طاعت خویش موفق بدارد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد.»⁸

دعا های مشهوری که جهت تجدید عهد و پیمان با مولایمان حضرت صاحب الزمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارد شده است عبارتند از:

- دعای عهد (اللهم رب النور العظیم ...)
- زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح خوانده می شود (اللهم بلغ مولای صاحب الزمان ...)

در بخشی از دعای عهد، چنین آمده است:

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانیم، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم با او تجدید می کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم .
بار خدایا! مرا از انصار و یاران آن حضرت و از مدافعان [حریم مقدس] او، و ستابندگان در پی انجام مقاصد او و اطاعت کنندگان از دستورات و نواهی او و حمایت کنندگان از [وجود شریف] او و سبقت جوینان به سوی خواسته او و شهید شدگان در حضور او قرار ده .

برای اطلاع بیشتر می توانید به مفاتیح الجنان مراجعه کنید.

⁸ . بحار الانوار، ج 53، ص 177.

6. مراجعه به علما و تبعیت از رهبری

خداوند، هستی را بیهوده و بی هدف نیافریده و انسان را نیز رها نکرده و به حال خود وا نگذاشته است؛ لذا حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدىً؛ به راستی خدای متعال مردم را بیهوده نیافریده و بیکار رها نکرده است.»⁹

بنابراین، در دوران غیبت کبری، هر چند دست الطاف امام زمان علیه السلام از پشت ابرهای غیبت بر سر امت و شیعیان سایه افکنده است، اما نیاز مبرم وجود دارد که برای سرپرستی امت و شیعیان و هدایت و گره گشایی از مشکلات آنان، فرد و یا افرادی باشند تا مردم با مراجعه به آنها تفسیر سخنان امامان خویش را به دست آورند و پاسخ پرسشهای خود را دریابند و صراط مستقیم را به پشتوانه فکری و علمی آنان طی نمایند. به همین جهت، آن امام رؤوف و دلسوز برای دوران غیبت تدبیری اندیشیده و مردم را به فقها و مراجع تقلید ارجاع داده اند؛ چنان که فرموده اند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ و اما در حوادث پیش آمده، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم.»¹⁰

7. پرداخت سهم امام علیه السلام

حضرت حجّت علیه السلام سفارش اکید و انتظار و توقع جدی از مردم دارد که واجبات مالی خود را پردازند و در سهم امام تصرف نکنند؛ لذا فرمود: «فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَيْفَ يَحِلُّ ذَلِكَ فِي مَا لِنَا؛ [وقتی] برای کسی جایز نیست که در مال دیگران بدون اجازه آنان تصرف کند، پس چگونه این کار در مال ما حلال شمرده می شود!»¹¹

و در جای دیگر، به شدت کسانی را که سهم امام را نمی پردازند، تهدید کرده، می فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَ سَيَصْلِي سَعِيرًا؛ هر کس [به ناحق] چیزی از اموال ما را بخورد، همانا آتش می خورد و به زودی به صورت در آتش جهنم می افتد.»¹²

و این امر را نیز گوشزد فرموده است که مالی را که به عنوان سهم امام می پردازید، باید از راه حلال به دست آمده باشد. و الاّ مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. فلسفه پرداخت واجبات مالی و سهمین هم این است که مردم پاکیزه شوند و روح آنها جلا پیدا کند.

در این باره مهدی موعود علیه السلام فرمود: «أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا نَقْبَلُهَا إِلَّا لَتَطَهَّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ؛ اما اموال شما [که به ما می رسانید] پس ما آنها را نمی پذیریم، مگر برای اینکه پاکیزه شوید. هر کس می خواهد، آنها را به ما برساند و هر کس می خواهد، نرساند، پس آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است.»¹³

الطاف امام زمان علیه السلام

⁹ . بحار الانوار، ج 53، ص 193.

¹⁰ . بحار الانوار، ج 53، ص 180.

¹¹ . . کمال الدین، ج 2، ص 521.

¹² . . کمال الدین، ج 2، ص 521.

¹³ . کمال الدین، ج 2، ص 484.

1- دور کردن بلاها از مردم

می دانیم که سنت الهی بر انسانها حاکم بوده و در مقابل خطاها و اشتباهاتشان واکنش های متفاوتی از خود بروز می دهد. یکی از این سنت ها این است که وقتی جامعه ای به گناه و معصیت دچار شد و افراد جامعه حریم های الهی را شکستند و حقوق الهی پایمال شد، زمینه نزول بلا و آفت ها فراهم می شود و مردم پیوسته در رنج و گرفتاری خواهند بود. وجود حجت خداوند و امام معصوم، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفاسدی که انجام می دهند به عذاب های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود. قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام(ص) که بزرگ ترین حجت الهی است، می فرماید: **وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ؛** ای رسول ما [تا زمانی که تو در میان ایشان - مسلمانان - هستی، خداوند هرگز آن ها را به عذاب گرفتار نخواهد کرد.^{۱۴}

حضرت مهدی(ع) که نمونه کامل رحمت و مهر پروردگار است نیز، به عنایت خاص خود، بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن ها دور می کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری گر او را بر سر خود نشانند. آن حضرت خود می فرماید: **وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...؛** من سبب ایمنی - از بلاها- برای ساکنان زمین هستم.^{۱۵} و فرمود: **أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي؛** من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خدای تعالی به واسطه من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می کند.^{۱۶}

2- هدایت گری و راهنمایی

یکی از مهربانی های امام نسبت به شیعیان این است که آنها را از حالت شک و تردید بیرون آورده، به سعادت دنیا و آخرت می رساند.

داستان

ابراهیم بن مهزیار اهوازی، از یاران با وفای امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. ابراهیم در حکم نماینده ی امام در شهر اهواز بود و مردم هر سؤال و مشکلی داشتند، به او مراجعه می کردند. هم چنین اموال و اجناسی که سهم امام بود، به ابراهیم بن مهزیار می دادند، تا او آن ها را به امام برساند. بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اموال زیادی نزد ابراهیم جمع شده بود. او کشتی بزرگی کرایه کرد تا اموال را به بغداد و از آن جا به سامرا برساند، اما از قضای روزگار، بیمار شد و در مدت کوتاهی بیماری او چنان شدید شد که او فهمید دیگر از این بیماری بهبود پیدا نمی کند. این بود که ابراهیم، پسرش محمد را صدا زد. محمد با حالتی غمگین و گریان کنار بستر پدر نشست.

ابراهیم بن مهزیار گفت: «پسرم! این اموالی که در خانه ی ماست، متعلق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اموالی است که مردم به رسم امانت به من سپرده اند، تا آن ها را به صاحبش برسانم. همان گونه که می بینی، من در تدارک این سفر بودم. حتی کشتی هم کرایه کرده ام، ولی دیگر عمر من به پایان رسیده است. فکر نمی کنم من از این بستر برخیزم.

¹⁴. انفال، 33.

¹⁵. کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 483.

¹⁶. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص 246.

بعد از مرگ من، تو این اموال را در کشتی بگذار، به بغداد برو و آن‌ها را به نایب امام برسان تا او آن‌ها را به امام برساند.» آن روز، محمد در پاسخ پدرش گفت: «چشم»، اما در دلش به این کار اعتماد و ایمان نداشت. این بود که وصیت پدر را عمل کرد و بارها را در کشتی گذاشت و روانه‌ی بغداد شد. اما امیدی به یافتن امام نداشت. او با هیچ کس حرفی نزد. حتی وقتی به بغداد رسید، سراغ نماینده و نایب امام را نگرفت و برای پیدا کردن او پرس و جو نکرد.

محمد در دل گفت: «اگر واقعاً امامی وجود داشته باشد، به سراغ این اموال خواهد آمد.» محمد، کشتی را در ساحل ننگه داشت. خودش اتاقی اجاره کرد و به انتظار نشست. یک روز گذشت و کسی دنبال اموال نیامد.

روز دوم به نیمه رسیده بود که کسی به در اتاق محمد آمد. محمد در اتاق را گشود. مردی پشت در ایستاده بود. محمد سلام کرد و مرد جواب سلام او را داد و بعد دست برد و از زیر لباسش نامه‌ای بیرون آورد و آن را به محمد داد.

محمد نامه را باز کرد و مشغول خواندن آن شد. در نامه چنین نوشته شده بود: «ای محمد بن ابراهیم مهزیار! همراه تو اموالی است با این مشخصات و با این نوع بسته بندی...».

محمد از خواندن نامه، چشم برداشت و غرق حیرت به مردی که پیش روی او ایستاده بود، نگاه کرد. به نظر او خیلی عجیب بود. در نامه درباره‌ی مشخصات اجناس و نوع بسته بندی همه‌ی اموال توضیح داده شده بود؛ آن هم به صورت خیلی دقیق و درست. انگار کسی موقع بسته بندی در آن جا حضور داشته و از آن‌ها صورت برداری کرده بود.

محمد تند نامه را خواند. همه‌ی شک و تردیدها از دلش بیرون رفت. این نامه از امام غایب بود. کسی جز امام، که علمش، علم خدایی است و از غیب خبر دارد، نمی‌توانست این نامه را نوشته باشد و این توضیحات را داده باشد.

محمد اموال را از کشتی بیرون آورد و همه را به آورنده‌ی نامه داد تا نزد امام علیه السلام ببرد. بعد هم چند روزی در بغداد ماند.

یکی - دو روز که گذشت، با خود گفت: «حیف شد. کاش همراه آن فرستاده می‌رفتم و خدمت امام غایب می‌رسیدم. محمد غصه دار شد و افسوس می‌خورد. تا این که روز بعد، نامه‌ی دیگری به او رسید. در آن نامه نوشته شده بود: «ای محمد! تو را جانشین پدرت قرار دادیم. خدای را سپاس گزار باش.»¹⁷

3- به یاد شیعیان

امام همیشه بر اوضاع و احوال امت و شیعیان خویش نظاره دارد و هرگز آنها را فراموش نخواهد کرد و در گرفتاریها و سختیها تنها نخواهد گذاشت. در این جهت، فرق نمی‌کند که امام زمان علیه السلام حاضر و در منظر دیده‌ها باشد و یا غائب و پشت پرده.

حضرت از اوضاع جهانی و امور شیعیان خویش آگاه است، و ریز و درشت اخبار را با چشم تیزبین الهی و امدادهای غیبی نظاره‌گر است؛ چنان که خود می‌فرماید: «فَأَنَا يُحِيطُ عِلْمُنَا بِأَبَائِكُمْ وَلَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛ علم ما به اخبار شما احاطه دارد و هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.»

امام زمان علیه السلام با توجه به آن آگاهی گسترده، هرگز شیعیان خود را فراموش نمی‌کند، بلکه در تمام حالات ناظر و حامی آنها می‌باشد و بالهای عنایات و الطاف بی‌کران خویش را همیشه بر سر پیروان خود گسترده دارد؛ چنان که خود آن حضرت در توقیعی به شیخ مفید رحمه الله فرمود: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ»

وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ...؛ از یاری رساندن به شما کوتاهی نکرده، فراموشتان نمی‌کنیم، و اگر چنین نبود، حتما ناگواریها بر شما نازل می‌شد و دشمنان، شما را نابود می‌ساختند...»¹⁸

داستان زیبا

رفته بود زیارت امام رضا (علیه السلام) کلی گریه کرده بود چشمانش سرخ شده بود به آقا گفته بود: این همه درس خواندیم آمدیم طلبگی تا نوکری شما را بکنیم اینکه نمی‌شود عمری نوکری اربابمان را بکنیم ولی او را نبینیم.

از حرم که باز می‌گشت به دلش افتاد چهل جمعه در چهل مسجد مشهد ختم زیارت عاشورا کند؛

چهل جمعه شوخی که نبود هر شب جمعه که می‌رسید بیقراریش بیشتر می‌شد با خود می‌گفت کی می‌شود تا جمعه چهلم فرا برسد؛ هفته‌ها گذشت تا هفته چهلم رسید دل توی دلش نبود هیچان تمام وجودش را گرفته بود قدم‌هایش را بلند تر برداشت نفس‌هایش به شماره افتاد وارد حیاط مسجد شد کنار حوض مسجد نشست تا نفسی تازه کند دستانش را در آب فروبرد سردی آب دستانش را نوازش می‌داد ماهی‌های قرمز حوض از لای انگشتانش عبور می‌کردند انگار به دستانش بوسه می‌زدند وضویش را که گرفت وارد شبستان مسجد شد نور سبزیاز چراغ بالای محراب بر روی کاشی‌های فیروزه‌ای جلوه‌ای زیبا به مسجد داده بود. گوشه‌ای از مسجد نشست؛ زیر یکی از پنجره‌ها که نور چراغ برق از پنجره‌هایش نمایان بود. کتاب دعای کوچکش را باز کرد همان کتاب دعایی که پدرش به خط زیبای خودش نوشته بود. صفحه‌ی زیارت عاشورا را باز کرد؛ السلام اول را که گفت بغضش ترکید، درد و دلش گل کرد آقا تو اجازه بده، حسین جان مولا جان تو شفاعت کن تا فرزندت مهدی را ببینم. جملات آرام آرام از جلوی چشمانش می‌گذشت، محاسنش خیس اشک شده بود؛ قطرات اشک آرام آرام از روی گونه‌هایش به روی زمین می‌افتاد. به صد سلام آخر زیارت عاشورا رسید، احساس کرد که این سلام‌های آخر را آهسته‌تر بخواند؛ دل توی دلش نبود با خود می‌گفت: ای کاش به جای صد سلام هزار تا سلام در زیارت عاشورا بود. به سلام آخر که رسید احساس می‌کرد که لیاقت ندارد ناامید شده بود. به سجده افتاد: اللهم لك الحمد، الحمد الشاکرین لك ... خدایا برای توست حمد و ستایش. دلش نمی‌خواست از سجده سر بردارد اصلا رویش نمی‌شد با خود می‌گفت: ای کاش در این سجده می‌مردم؛ خدایا می‌شود جان مرا بگیری. خستگی چهل هفته به یک باره بر تنش سنگینی می‌کرد؛ سر از سجده برداشت تا نماز زیارت بخواند. تا خواست الله اکبر را بگوید نگاهش به سمت کوچه افتاد به ناگاه نور سفیدی از خانه‌ای نمایان شد. با عجله خود را به جلوی پنجره رساند، خدایا این چه نوری است به دلش افتاده بود که نکند این همان نور مرادش باشد.

دوان دوان خود را به آن خانه رساند. آنقدر عجله داشت که نفهمید اصلا کفش‌هایش را نپوشیده است به در خانه که رسید در باز شد. وارد خانه شد خانه‌ای گلی و ساده‌ای بود اتاق‌ها را یکی پس از دیگری طی کرد؛ به یکباره دلش فرو ریخت چشمش را به چشم امامش گره زد. از شوق نزدیک بود جانش به در آید. به خود که آمد جسدی را دید که رویش را پارچه سفیدی پوشانده بودند.

به یکباره فضا سکوت بود و سکوت، آقا نگاهی به سید باقر انداخت و فرمود: چله نشینی نمی‌خواهد، مثل این پیر زن باش خودمان به دیدنت می‌آییم.

خواست بپرسد که این پیرزن چه کرده است؛ به منی که سال‌هاست قال الصادق و قال الباقر گفته‌ام، برتری یافته است؛ این جملات را در ذهنش مرور می‌کرد که دوباره آقا رو کرد به سید و گفت: این زن به خاطر حفظ حجاب و عفافش هفت سال از خانه بیرون نیامده است.

سید ناگهان به فکر فرو رفت و در ذهنش رضاخان را لعنت کرد؛ همینکه به خود آمد دیگر آقا را ندید.¹⁹²⁰

4- دعاگوی مؤمنان

شکی نیست که امام معصوم (ع) از هر پدری و مادری مهربان‌تر است و در همه حال، خوبی بندگان خدا - به‌ویژه مؤمنان - را می‌خواهد؛ از این رو همواره برای موفقیت آن‌ها و نیز دوری مصیبت‌ها و مشکلات از آن‌ها، دعا می‌کند.

طبق روایات متعدد اعمال انسان دائماً به حجت الهی عرضه می‌شود و امام به حکم مسؤولیتش نسبت به این اعمال نگران است؛ لذا دست به دعا بر می‌دارد و برای عاقبت به خیری صاحبان اعمال و درخواست عفو و بخشش دعا می‌کند و از خداوند برای جبران غفلت و نقص‌هایی که دام‌گیر اعمال است، طلب کمال دارد.²¹

علی (ع) می‌فرماید: «هیچ مؤمنی نیست که اندوهگین شود مگر این که ما به جهت او اندوهگین می‌شویم و دعایی نکنند مگر این که برای او آمین می‌گوییم و ساکت نماند مگر این که برای او دعا می‌کنیم.

امام زمان نیز بدون شک همین روش جدشان را دنبال خواهند کرد و برای شیعیان و محبان خودشان دعا می‌کنند.

5- امضای مقدرات سال در شب‌های قدر

می‌دانیم که در ماه مبارک رمضان سه شب به عنوان شب‌های قدر معروفند که در آنها تمام آنچه را که بناست برای یک فرد تا شب قدر آینده اتفاق بیفتد، مشخص و معلوم می‌گردد. این تقدیرات الهی با امضای آن حضرت صورت می‌گیرد.

البته توجهات و عتایات حضرت به آنچه گفته شد منحصر نمی‌شود؛ کراماتی که از حضرت نقل شده است در باب شفا یافتن مریض‌های صعب‌العلاج و رفع گرفتاری‌ها و مشکلات، راهنمایی‌گمشده‌ها در مکان‌های مختلف و بیابانها، شرکت در تشییع جنازه برخی بزرگان مانند آقای گلپایگانی و همان پیرزن مذکور در متن بالا، عیادت از برخی اولیاء، دفاع از شیعیان و

19. شیفتگان حضرت مهدی، ج3، ص 158. متن حاضر به قلم آقای حسن رضایی نوشته شده است.

20. اصل داستان به بیانی دیگر: در عصر حکومت رضا خان قلدر یکی از علمای ربانی مرحوم آیت الله سید باقر سبستانی سعی بسیار داشت تا به محضر مبارک امام زمان حضرت ولی عصر (عج) شرفیاب گردد، او برای رسیدن به این سعادت بزرگ تصمیم گرفت چهل جمعه در مسجدی از مساجد زیارت عاشورا را بخواند. او به این تصمیم عمل کرد و هر جمعه به قرانت زیارت عاشورا ادامه داد او می‌گوید: در یکی از جمعه‌های آخر که مشغول خواندن زیارت عاشورا بودم ناگهان نوری را از خانه‌ای نزدیک مشاهده کردم. حالت معنوی عجیبی پیدا کردم و به دنبال آن نور رفتم خود را نزدیک آن خانه رساندم دیدم نور عجیبی از داخل آن خانه می‌درخشد. در را زدم و با اجازه وارد شدم دیدم حضرت ولی عصر (عج) در یکی از اتاق‌های خانه تشریف دارند و در آن اتاق جنازه‌ای را مشاهده نمودم. منقلب شدم در حالی که اشک از چشمانم سرازیر بود به آقا امام زمان (عج) سلام کردم آقا جواب سلام مرا دادند و فرمودند: چرا اینگونه دنبال من می‌گردی و آن همه رنجها را تحمل می‌کنی، مثل این باشی (اشاره به جنازه) تا من به دنبال شما بیایم. سپس فرمودند: این جنازه جنازه بانویی است که در عصر کشف حجاب رضا خان، هفت سال برای حفظ عفت خود از گزند حکومت رضا خان از خانه بیرون نیامد تامبادا نامحرم او را ببیند.

²¹. بحار، ج53، ص 177.

حریم تشیع مانند داستان انار معروف و حمایت‌های حضرت از انقلاب ایران، بخش دیگری از عنایات و الطاف حضرت نسبت به شیعیان و دوستدارانشان است.

بده سوزی که از هجرت بسوزیم	بده اشکی که در پایت بریزیم
بده رنجی که رنجور تو باشیم	سروری ده که مسرور تو باشیم
بده چشمی که گریان تو باشد	سری ده گوی چوگان تو باشد
بده عقلی که مجنون تو باشد	همه حیران و مفتون تو باشد

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام والمسلمین رضا اخوی